حبیب مکرّم جناب آقا محمّد باقر علیه بهآء اللّه و عنایاته ملاحظه فرمایند ه‌م

من ارض ن و ر

هو الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

الحمد للّه الّذی تفرّد بالکبریآء و توحّد بالنّدآء و تعظّم بالاسم الّذی کان سلطان الأسمآء انّه لهو الحاکم علی ما یشآء لا اله الّا هو المقتدر العلیم الحکیم و الحمد للّه الّذی انزل الکتاب و زیّنه بأسطر الأوامر و الأحکام لینتفع بها الأنام الّذین نبذوا الأوهام و اقبلوا الی افق منه اشرقت شمس علم ربّنا العلیم الخبیر انّه ما اراد عن کلّ ما ظهر الّا اظهار جوده و فضله و کرمه لعباده انّه لهو المعطی الکریم

 و بعد قد بلغ کتابکم الی هذا الخادم و قرأت ما فیه و حضرت به تلقآء العرش و عرضت لدی اللّه العزیز الحکیم اسأل اللّه ان یوفّقکم و یظهر امثالکم لیعترفوا بما اعترف به لسان القدم بین الأمم انّه لهو المقتدر القدیر عرض این فانی آنکه مکتوب آنجناب رسید و فرح بی‌اندازه از آن حاصل چه که نفحات محبّت رحمن از آن استشمام شد انشآءاللّه در جمیع احیان بتوفیقات حضرت رحمن موفّق باشید و بذکر سلطان حقیقی ذاکر و ناطق مناجاتیکه بساحت اقدس امنع عرض نمودید عرض شد فی الحین لوحی از سماء مشیّت نازل و ارسال گشت انشآءاللّه بزیارت آن فائز شوید و بنفحات آن معطّر

 اینکه در بارهٴ حقوق اللّه ذکر نمودید و نوشته بودید که عبدی مالک وجه نقدی و ملکی است و حقوق اللّه بر حسب حکم آن در نقدی معلوم ولکن عبد که مالک ملک است آن ملک در جائیست که نمیخرند تا حقوق اللّه از آن جدا شود و اگر بخواهد از نقدی بدهد کفاف نمیدهد و خود عبد هم از کسب می‌افتد و آنملک هم اجاره ندارد در اینصورت تکلیف چیست حکم اللّه آنکه ملکی که انتفاع از آن مقطوعست یعنی نفعی از آن حاصل نمی‌شود حقوق اللّه بر آن تعلّق نمیگیرد انّه لهو الحاکم الکریم

 و اینکه در بارهٴ اسم ابن مذکور داشتید بأسی نیست ولکن در ظاهر باسم ظاهر ع‌بّ‌‌اس حضرت غصن اللّه الأعظم روحی و کینونتی لتراب قدومه الفدآء نامیده شود

 و اینکه در بارهٴ جناب آقا علی اکبر الّذی صعد الی اللّه نوشته بودید عرض شد و کلمهٴ غفران از ملکوت بیان رحمن در بارهٴ ایشان ظاهر طوبی له بما فاز بالذّکر فی حیاته و بغفران اللّه و رحمته بعد مماته و صعوده

 اینکه در بارهٴ جناب آقا محمّد علی نوشته بودید ذکر ایشان در ساحت امنع اقدس عرض شد مناجات مختصری از سماء مشیّت الهی نازل و ارسال گشت قرائت نمایند هذه صورة ما انزله اللّه من سمآء المشیّة و الارادة

هو الأقدس الأعظم

قل سبحانک اللّهمّ یا اله الأشیآء و خالق الأسمآء اسألک بالاسم الّذی به کسّرت الأصنام و زالت الأوهام بأن تغمّسنی فی بحر الایقان یا مالک الأدیان ای ربّ ایّدنی علی ما اردته بسلطانک و انزلته فی محکم کتابک ای ربّ هذا یوم تزیّنت به صحائف الامکان و الکتب الّتی انزلته علی سفرائک و اصفیائک اسألک بأن لا تمنعنی عن رشحات بحر فضلک و لا تطردنی عن الباب الّذی فتحته علی من فی سمائک و ارضک ای ربّ انا الضّعیف تمسّکت باسمک القویّ القدیر قدّر لی من فضلک ما ینفعنی فی الدّنیا و الآخرة انّک انت المعطی الباذل المقتدر العزیز الحکیم انتهی

 انشآءاللّه بقرائت این کلمات منیعهٴ مبارکه که از مشرق مشیّت رحمانیّه ظاهر شده فائز و مؤیّد شوند

 عرض دیگر آنکه نفوسیکه در آن ارض و ارض نون و راء از کوثر الهی آشامیده‌اند و بافق اعلی ناظرند جمیع را از جانب این حقیر فقیر تکبیر برسانید ای دوستان ای شاربان رحیق رحمت رحمن امروز روز بزرگیست قدرش عظیم و شأنش عظیم و ما یحدث فیه انّه لهو عظیم عظیم باید اوهامات نفوس غافله و ظنون هیاکل شرکیّه را معدوم و مفقود ملاحظه نمائید و از سلسبیل یقین در کلّ حین باسم مالک یوم الدّین بنوشید لسان از برای امروز خلق شده و بصر از برای این یوم مبارک از عرصهٴ عدم بوجود آمده لعمر اللّه امروز روز آذان و قلوبست تا ببینند و بگویند و بشنوند و در خزینه محفوظ دارند بگو جهد نمائید که شاید از فیض فیّاض در مثل همچو روزی محروم نمانید اگرچه الحمد للّه در آن روضه گلهای معانی باسم محبوب ابدی شکفته و ازهار بیان باسم مقصود امکان ظاهر شده ولکن باید انشآءاللّه در کلّ حین از اثر کلمهٴ الهیّه نارشان مشتعل‌تر و نورشان باهرتر دیده شود و از سلطان حقیقی اینعبد فانی سائل است که آن گلهای محبّت را از اریاح سمومیّه و بادهای بارده حفظ نماید تا همیشه با کمال طراوت و لطافت خندان باشند انّه لهو العزیز الکریم البهآء علیکم و علی من معکم و علی الّذین فازوا بعرفان اللّه و ایقنوا بلقائه العزیز المنیع

خ‌ادم

فی ۶ رجب ۱۲۹۶

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۹ ژانویه ۲۰۲۳، ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر